

خانواده و مجلس

بیانات رئیس محترم مجلس شورای اسلامی
در کنگره پنجم کارشناسان و مسؤولان
انجمن های اولیاء و مربیان



قال امیر المؤمنین سلام الله علیه : و توخ منهم
اهل التجربة و الحیة من اهل بیوتات الصالحة
و القدم فی الاسلام المتقدمة فانهم اکرم اخلاقاً
و اصحّ أغراضاً و اقل فی المطامع اشراقاً و ابلغ فی
عواقب الامور نظراً. (نهج البلاغة ، تامه ۵۳)
هفته دفاع مقدس را گرامی می دارم و به روح

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على
رسول الله و الائمة المعصومين الطاهرين و لعن
على اعدائهم اجمعين .

محدودیت ندارد. سخن را کوتاه کنم. در این مقدمه به نکته‌ای اشاره می‌کنم و آن این است که در بین همه انسانها در عالم اولین و آخرین، در دنیا و آخرت، موجودی برجسته‌تر از وجود مبارک نبی‌گرامی اسلام محمد مصطفی صلی الله و علیه وآله؛ وجود ندارد و در عین حال که این شخصیت بزرگوار، عقل کل، خاتم رسل و اشرف انسانهاست؛ راه کمال و رقاء، حتی برای ایشان هم بسته نیست، چرا که در تفکر الهی راه کمال همیشه و برای همه باز است. لذا بعد از تشهد، شما این جمله را می‌گویید: "و تقبل شفاعته و ارفع ذرّجته". یعنی باز از خداوند برای رسولش رفعت درجه می‌خواهید و باز هم می‌تواند بالاتر برود. آری، "رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند". خوب اگر این انسانی که قدرت و اختیار داشته و محکوم به جبر نیست و بر اساس فطرت خداپرستی خلق و آفریده می‌شود، در این میدان خوب حرکت نکند و حسن انتخاب و اختیار نداشته باشد، به جایی می‌رسد که، مصداق آیه شریفه: "ثم ردنا اسفل السّافلین" باشد، در حالی که فطرت اولی‌اش مصداق آیه شریفه: "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم" است. سقوط به اسفل السّافلین می‌کند، "الا الذین امنوا و عملوا الصّالحات" - مگر آنانکه ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند. و انسان در این مسیر قرار نمی‌گیرد، مگر با تربیت.

به بیان دیگر دو میدان برای رشد و تعالی انسان وجود دارد که معمولاً اساس و بنیان شخصیت انسان در این دو میدان شکل می‌گیرد و به تعبیری پایه‌گذاری می‌شود. با شرایط و عواملی که در این دو میدان می‌توان بوجود آورد، زمینه برای دستیابی به شرف و فضیلت و

بلند اولین فرمانده کل قوا در نظام اسلامی، امام عظیم الشان، و شهدای بزرگوارمان بخصوص شهدای دفاع مقدس درود می‌فرستم و از خداوند بزرگ برای عزیزان، علو درجات را خواستارم. همچنین توفیق، سلامت و عزت جانبازان عزیز، آزادگان سرفراز، ایثارگران عزیز و همه کسانی را که در هشت سال دفاع مقدس نقش آفریدند، از خدای بزرگ خواستارم.

توفیقی برای بنده است که هزارچندگاهی در جمع فرهنگیان عزیز، مریبان محترم و خدمتگزاران آموزش و پرورش حضور پیداکنم و در خدمتشان باشم. امروز هم این توفیق نصیب بنده شده و در جمع با صفای شما اولیاء و مریبان و مسؤولان انجمن‌های اولیاء و مریبان حضور یافته‌ام.

موضوع صحبتی که برای بنده مشخص شده، بحث خانواده و مجلس است. حالاً من با ذکر مقدمه‌ای وارد بحث "نقش خانواده و پیوند آن با مریبان و مدرسه" می‌شوم و عرایضی را تقدیم شما می‌کنم.

شما خوب می‌دانید که در بین موجودات عالم، تنها موجودی که زندگی‌اش محکوم به جبر نیست، انسان است. فرشته‌ها زندگی‌شان محکوم به جبر است و عقل محض هستند. حیوانات نیز زندگی‌شان محکوم به جبر است و شهوت محض هستند و فقط این انسان است که معجونی و تلفیقی از عقل و شهوت می‌باشد و در عین حال زندگی‌اش محکوم به جبر نیست. خود می‌تواند راهش را انتخاب کند (اتا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً). به همین دلیل راه کمال و رشد برای انسان، به خاطر اختیار و قدرت انتخابش باز است و محدود نیست انسان تا چه مقدار می‌تواند رشد کند؟ این امر

مقایسه با نظامات تربیتی غربی، تفاوت‌های اصولی و بنیادی دارد و با مراجعه به کتاب و سنت، می‌توان به عظمت و جامعیت این نظام آسمانی پی برد.

شخصی به خدمت امام باقر علیه‌السلام رسید و عرض کرد: یابن رسول الله! دختر خاله‌ای دارم که بسیار وجهه و زیباست. او نظرم را جلب کرده و می‌خواهم با وی ازدواج کنم. حضرت می‌فرماید: مانعی ندارد، با او ازدواج کن. عرض می‌کند: یابن رسول الله، او زیباست و نظرم را جلب کرده است، اما قدری عقل و بارش کم است!!

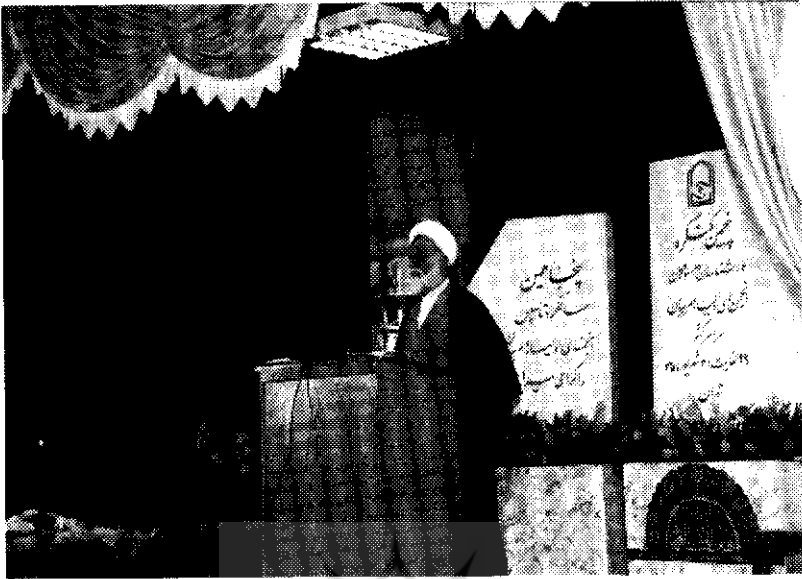
حضرت مانع ازدواج نمی‌شود، چرا که او یک دختر جوان است و باید ازدواج کند و بالاخره نباید از زندگی زناشویی محروم شود. در غیر این صورت شاید به حرام افتد. لذا حضرت می‌فرماید: مانعی ندارد، به حلال با او ازدواج کن، اما از بچه‌دار شدنش بپرهیز! در حقیقت، امام باقر علیه‌السلام مسؤلیت خانواده را گوشزد می‌کند و پدر و مادر را نسبت به نسل آینده، سلامت، قابلیت و تربیت آن مسئول می‌داند.

از سوی دیگر، در روایات دارد که اگر می‌خواهید دخترتان را شوهر دهید، به افراد شرابخور ندهید. معنایش این است که روی نسل شما اثر می‌گذارد. مادر و پدر شجاع، فرزند شجاع می‌پروراند، پدر و مادر هوسران، فرزند هوسران تحویل می‌دهند، و خانواده متدین، انقلابی و مبارز، فرزند بسیجی، حزب‌اللهی، عاشق امام صادق علیه‌السلام، انقلاب و اسلام تحویل می‌دهد.

اوایل جنگ بود، خدمت مرحوم حاج احمد آقا در اطاق انتظار نشسته بودم تا خدمت

یا برای سقوط و انحطاط فراهم می‌گردد، و این دو میدان یکی "خانه" و دیگری "مدرسه" است.

"ولی" و "مربی" دو مؤلفه‌ای هستند که نقش بسیار بالایی برای انسانها ایفا می‌کنند. وقتی استاد متفکر و شهید بزرگوار مطهری بخواهد تربیت را معنا کند، می‌گوید: "تربیت، یعنی به فعلیت درآوردن قوه‌ها و ایجاد قابلیت‌ها در انسان". عامل تربیت این نیروی نهفته در انسان را به فعلیت می‌رساند. اولین عامل تربیت، خانواده و دومین آن مدرسه است. به همین دلیل اسلام به هر دو مؤلفه عنایت فوق‌العاده دارد. هر یک از اینها نقش بسیار سرنوشت‌سازی دارند، و لکن مکمل هم هستند. هنگامی که یکی از این دو خوب کار نکند، نقش دیگری را هم خنثی می‌نماید. اگر با هم باشند، دو بال پروازند و اگر نباشند بعضاً خنثی‌کننده آثار یکدیگر می‌شوند. و اگر هیچکدام نقش خودشان را ایفا نکنند، سبب بدبختی و سقوط می‌گردند و لذا انسان می‌شود مصداق آیه شریفه: "اولئك كالانعام، بل هم اضل". از این رو اسلام به این دو مؤلفه بهای فوق‌العاده می‌دهد و به خاطر نقش آفرینی خانواده می‌گوید: حتی از روزی که یک پسر می‌خواهد همسر انتخاب کند باید به عظمت کاری که می‌خواهد انجام بدهد واقف باشد. او باید بداند که می‌خواهد خانواده تشکیل بدهد و نسلی را تربیت کند. ارضای غریزه جنسی یکی از مسائلی است که در پرتو ازدواج تأمین می‌گردد، ولی هدف متعالی و والاتر در ازدواج، تشکیل خانواده، تداوم نسل، تربیت انسانهای صالح، رشد و شکوفایی استعدادهاست. اسلام نظام تربیتی ویژه‌ای عرضه می‌کند که در



جنگ. گفتم: یعنی چه که کاری نکردی؟ گفت من روزی که در مدرسه فیضیه، مأموران رژیم شاه طلبه‌ها را می‌زدند، آن روز من کتکش را در مدرسه فیضیه خوردم. چنین بچه‌هایی از من چیز مهمی نیست. اینها اثر وضعی دارد. وقتی پدر در سال ۱۳۴۲ در فیضیه برای اسلام سیلی می‌خورد، آن وقت بچه‌اش یک بسیجی پاک ساخته می‌شود. دیگر اینکه خود این فرد می‌خواست جبهه برود، اما سپاه نگذاشت. پسر دیگری داشت که می‌خواست به جبهه برود، اما سپاه به او هم اجازه نداد. گفتند بالاخره یک حدی دارد. بعد من پرسیدم مادر اینها وضعیتش چطور است؟ سرش را تکان داد و گفت: اولاً دو تا از بچه‌ها را خود مادر داخل قبر گذاشت. من دیدم روحیه خیلی بالاست. انصافاً اگر اینها نبودند مگر می‌شد در مقابل یک دنیا خصم و دشمن ایستادگی کرد. این اینارها ما را موفق کرد. او گفت: من گاهی کم می‌آورم، با

حضرت امام شرفیاب شوم. مرحوم حاج احمد آقا، شخص محترمی را که در آنجا حضور داشت، معرفی کردند و گفتند: این آقا پدر چهار شهید از اصفهان است. او اولین پدر چهار شهید بود که دیدم. معمولاً وقتی که ما در مقابل خانواده شهداء می‌نشینیم، با همه سرو زبانی که داریم، انسان متحیر است که چه بگوید، یعنی واژه کم می‌آورد، لکنت زبان می‌گیرد و خلع سلاح می‌شود. انصافاً به این پدر شهید چه می‌توانستم بگویم؟ بگویم خدا صبرت دهد! خواستم بگویم خدا اجرت بدهد، ذخیره آخرت باشد، اما آنقدر کریمانه برخورد می‌کرد، که من کم آورده بودم که چه بگویم. خلاصه گفتم: به هر حال ما مدیون شما هستیم و ان شاء الله خداوند آن شهیدان را ذخیره آخرت قرار دهد. گفت: بین آقای ناطق من کاری برای اسلام نکردم!! یکی از بچه‌هایش قبل از انقلاب شهید شده بود و سه تایش در

نمی‌رود، اصالتش را نمی‌فروشد به مطامع مادی، "ابلیغ فی عواقب الامور نظراً"، اصیل است، عاقبت‌اندیش هم هست. عواقب امور را خوب می‌بیند، بینش خوب و اصالت خانوادگی دارد. شما در روایات ائمه (ع) می‌خوانید: "توقوا علی اولادکم من لبن البغیة والمجنونة لانّ اللبن یعدی"، بچه‌تان را از شیرزنی که ستمگر، هواپرست، کم عقل و بی‌دین است دور بدارید، زیرا شیر اثر دارد، تربیت و روش و منش پدر و مادر نقش دارد و این هر دو اثر می‌گذارد. این عبارت از رسول گرامی (ص) است که فرمودند: "ایاکم و خضراء الدّمّن"، خود را دور کنید از سبزه‌های زیبا، اما در مزبله روییده، سبزه کناره‌های زباله‌دانی. گفتند: یا رسول اللّٰه (ص)، "ما خضراء الدّمّن"، این سبزه دم زباله‌دانی چیست؟ فرمودند: "المّرثة الحسناء فی منبت السوء"، دختری زیبا، اما از خانواده بد و پست. ریشه را حساب کند. برای آینده تو می‌خواهی خانواده‌ای تشکیل بدهی، نسل خودت را حساب کن، نه خودت را، فقط به زیبایی‌بیندیش، به اصالت، به تقوا، به تدبیر و تعهد فکر کن و به شجاعت بیندیش. ایام فاطمیه است، خوب است این نکته را بگویم، خیلی زیباست و ضمناً ادب امیرالمؤمنین را در اینجا می‌بینید، عظمت زهرا(س) را در اینجا می‌بینید، نوع تربیت را هم می‌بینید، عبارتی که همه چیز در آن هست. در جنگ جمل نیزه خود را به دست پسرش محمد داد و به او فرمود: "مشکل و فساد در این جنگ، آن شتر است"، و به تعبیر خودمان ام‌الفساد آن شتر است، "شما برو جلو، در وسط دشمن و آن شتر را بزنی و پی کن". محمد حرکت کرد، نیزه راه گرفت، یک مقداری جلو رفت، اما برگشت و گفت: "بابا

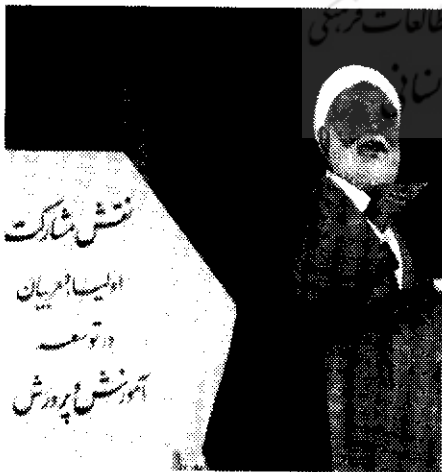
همین تعبیر، آن کسی که مرا دلداری می‌دهد، مادر است. او دیگر چه شیرزنی است؟! خوب، وقتی مادران و پدران این گونه باشند، آن وقت بچه‌ها هم همان بسیجیها و همان عاشقان امام صادق (ع) می‌شوند. این همه عظمت را که شاهدش هستیم، ریشه در خانواده و تربیت‌های خانوادگی دارد.

عبارتی را که در آغاز سخن خواندم، شاید اکثر شما حفظ هستید. این همان فرمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر است. در این فراز می‌خواهد بگوید که کارگزارها را از بین چه کسانی انتخاب کنید؟ چه جور آدمهایی باشند؟ آدمهای با تجربه، با عفت، و با حیا، "من اهل بیوتات الصالح"، خیلی عجیبه! ریشه خانوادگی داشته باشد، از بیت صالح باشد، دیروزش معلوم باشد. "من اهل بیوتات الصالحة و القدم فی الاسلام متقدم" باشد. سابقه اسلامش، قدمت در اسلامش مشخص باشد. تازه به دوران رسیده نباشد. البته اگر کسی تازه انقلابی شده باشد، خیلی خوب است. هر کسی که به انقلاب پیوندد، هر روز از عمرش که به اسلام و انقلاب برگردد، بنده به عنوان یک طلبه خدمتگزار عرض می‌کنم: قدمش را روی چشم می‌گذارم. هر کسی در هر مرحله از عمرش به اسلام و به انقلاب برگردد، محترم است؛ اما بحث این است که می‌خواهیم کارگزار و مدیر انتخاب کنیم. از کدام قشر و طبقه انتخاب کنیم؟ می‌گوید: "من اهل البیوتات الصالحة و القدم فی الاسلام المتقدمة فانهم اکرم اخلاقاً و اصح اعراضاً". اینها کرامت خلق دارند، بزرگوارند، اینها آدمهایی هستند، "اقل فی المطامع اشرفاً"، چون بزرگزاده و اصیل است دنبال مطامع دنیا و پول و این چیزها

اولیاء و مربیان است، با این سوابقش و با قدمت و نقشی که دارد. غرب، امروز دچار یک بحران شده، به علت اینکه به خانواده اصالت نداد. متأسفانه اصالت خانواده در غرب از بین رفت و خانواده در آنجا فرو پاشید. در آنجا ازدواج‌های کوتاه مدت که زود به طلاق می‌انجامد، بر اساس مادیات انجام می‌گیرد. طلاق خیلی راحت است. پیامبر خدا می‌فرمایند: "بغض الاشیاء عندی الطلاق"، یعنی طلاق بدترین چیزها نزد من است. علتش هم این است که بنیاد خانواده فرو پاشیده می‌شود. بچه‌ها بدون سرپرست بزرگ می‌شوند و از این طریق خسارتهای روحی و تربیتی فراوانی به خانواده و اجتماع وارد می‌شود. در غرب طلاق اصلح و احسن الاشیاء شده است. ازدواج‌های خیلی راحت و بدون ملاک و طلاق‌های بی‌رویه و بچه‌های نامشروع از یک طرف، زندگی کوتاه و بی‌دوام از طرف دیگر و نیز روابط آزاد و بی‌قید و بند دخترها و پسرها امروز در غرب کار را به جایی رسانده است که وقتی آدم این خبرها و مقاله‌ها را می‌خواند، می‌بیند بنیاد خانواده

برق شمشیرها اجازه نمی‌دهد و نمی‌شود جلو رفت، حمله خیلی تند است." فرمود: "برو ترس، آن شتر را باید پی کرد". باز رفت، اما دوباره برگشت. امیرالمؤمنین نیزه را از او گرفت و به دست امام حسن (ع) داد و فرمود: "حسن ام تو برو". دو تا قصه داریم، یکی راجع به صفین، "ادرك العرق من امك"، که به محمد حنفیه فرمود: "تو رگ ترس را از مادرت به ارث برده‌ای، و در جای دیگر، تعبیر زیبای دیگری دارد: حضرت تائیزه را از محمد گرفت و به دست امام حسن (ع) داد، احساس کرد که محمد کمی خجالت کشید و متأثر شد. ببینید چقدر زیبا جواب داد. فرمود: "پسرم نگران نباش، تو از من هستی و او از فاطمه است." خیلی عجیبه، هم ادب را مراعات کرده و هم او را آرام کرده است، و این تواضع علی (ع) را می‌رساند. علی که خود کانون شهامت و شجاعت است. در عین حال می‌گوید: "پسرم تو از منی. اما بادت باشد که حسن از فاطمه است و شهامت را از او و رسول‌الله به ارث برده است. این، ریشه خانوادگی است. لذا نقش خانواده، نقش بالایی است. این، یک مؤلفه است.

مؤلفه دوم، مدرسه است که بیش از نیمی از خانواده‌ها با مدرسه سرو کار دارند. مدرسه و مربی بستر را برای رشد بچه‌ها فراهم می‌کنند و در تعلیم و تربیت نقش آفرین هستند، پیوند خانه و مدرسه، اولیاء و مربیان. به تعبیر جناب آقای مظفر، وزیر محترم آموزش و پرورش که خود سه شهید تقدیم اسلام و انقلاب کرده، آن هم در یک روز، "این ریشه‌ها برای حفظ ارزشها و اصول اسلام و انقلاب مهم است." همان‌طور که ایشان بیان کردند، مردمی‌ترین نهاد، انجمن



نقش شاکت
اولیاء مربیان
دوم
آموزش پرورش

متلاشی شده و تازه اندیشمندان و متفکران غربی و عقلای آنها به این نقطه رسیده‌اند که با صراحت اعلام کرده‌اند که غرب از نظر اخلاقی و معنوی سقوط کرده است و ریشه بدبختی‌های غرب این است که بنیاد خانواده در آن متلاشی شده است. بحران معنویت، غرب را در سراسرایی سقوط قرار داده است. این متفکرها ممکن است راست بگویند، اما دیگر بستر برایشان فراهم نیست. بنیاد خانواده چنان متلاشی شده است که خانواده‌ای نیست تا ارتباطی بین خانه و مدرسه بوجود آید. اصلاً ارزشها و اصول اخلاقی که در اسلام وجود دارد و اصلاتی که اسلام به تعلیم و تربیت می‌دهد از هر جهت قابل توجه است. در قرآن، خداوند بیش از هزار مورد از خودش به عنوان "مربی" نام می‌برد و در آیات متعددی هدف از بعثت انبیاء را "تربیت" معرفی می‌کند: "بزرگیم و یعلّمهم الکتاب و الحکمة"، پیامبران مبعوث به رسالت شدند تا با ارائه نظام تربیت و تعلیم، انسانها را آراسته به حکمت متعالیه بنمایند. امام حسین (ع) فرزندش را نزد معلمی سپرد (او که خود استاد اخلاق، تربیت، علم و فضل است). اولین روزی که به بچه آموزش داد، پولی برای استاد فرستاد. اطرافیان حضرت عرض کردند: "یابن رسول الله انعام زیادی به او دادی، با یک روز درس این قدر سهمش نیست." حضرت فرمود: "اگر وضع مالی‌ام خوب بود، دهانش را پر از در می‌کردم، چرا که به بچه من تربیت آموخت. این عظمت تربیت دادن است. البته وضع مالی ما هم در مجلس و دولت خوب نیست. بودجه مملکت بودجه میزانی نیست. حقیقتاً در مجلس که شاید ۶۰ الی ۷۰ معلم و فرهنگی در این دوره داریم، هر گاه که بحث

آموزش و پرورش و مشکلات آن می‌شود، با این حجم طرفداران مستقیم و (بقیه هم غیرمستقیم) که دارد هیچ مشکل و مانعی بر سر راه نمایندگان در کمک کردن به آموزش و پرورش با این گستردگی نیست، منتهی امکانات ما محدود است. آدم هر چه فکر می‌کند، جور در نمی‌آید. مثلاً ما وقتی اولویت می‌دهیم به آموزش و پرورش، یکدفعه می‌بینیم که دفاع را چه کار کنیم، آن هم با نغمه‌های فراوان که اطرافمان ساز می‌شود. اصلاً باید دفاع باشد تا بقیه باشند، پس به آن هم باید برسیم. می‌آییم به دفاع رسیدگی کنیم، می‌گوییم مناطق محروم چه؟ آنجاها را هم نمی‌شود که رسیدگی نکرد. در کنار آن دانشگاهها را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که آموزش عالی هم خودش بحثی است. کنار آن سازمان بهزیستی است. آدم وقتی که از یک مرکز بهزیستی بازدید می‌کند، دلش به درد می‌آید. با آن وضعی که بچه‌های عقب‌افتاده دارند. خوب آنها را چکار کنیم؟ لذا هر کدام را که انسان دست می‌گذارد می‌بیند که باید اولویت را به آن داد. البته اولویت‌بندی هم می‌شود، اما در عین حال محدود است و حتماً کافی نیست. یعنی اگر وضع خوب و دست باز باشد، به آموزش و پرورش و به مربیانی که دومین مؤلفه سعادت بچه‌های ما هستند، باید رسید. من اعلام می‌کنم که آنچه از ما برآید در خدمتتان هستیم. من اجمالاً عرض کنم که اهداف و وظایفی که انجمن اولیاء و مربیان دارد، آگاه ساختن خانواده‌ها و مربیان به مسائل رشد کودکان و نوجوانان و رسیدگی به نیازها و آگاهی پیدا کردن از مسائل روحی و جسمی، عاطفی و معنوی آنهاست. اینها اهداف و وظایف انجمن

می‌تواند از صدا و سیما خیلی خوب بهره بگیرد.

۴- تربیت کارشناسان خبره برای هدایت و ارشاد خانواده‌ها، دعوت از خود آنها و کارآموزی و آموزش دادن و خبره پروراندن در امر تربیت، تا همه جا را زیر پوشش قرار دهد.

۵- نهادینه کردن ارتباط خانه و مدرسه، به طوری که در قالب یک سازمان با برنامه‌ای مشخص و نیروهای مناسب موظف، این ارتباط را سامان بدهند و مشکلات را پیگیری و حل نمایند.

۶- قانونمند کردن موضوعاتی که مورد مشورت قرار می‌گیرد، اگر راهکارهای خوبی برای رفع ناهنجاریها و حل معضلات بچه‌ها مورد مشورت قرار گرفته که می‌تواند در قالب قانون در بیاید، برای تصویب به مجلس تقدیم شود.

۷- معرفی الگوها و اسوه‌ها که نقش بسیار بالایی در حوزه تربیت دارند.

در پایان توجه شما را به این نکته نیز جلب می‌کنم که ما در برنامه‌نویسی خود، گاهی کشاورزی و گاهی صنعت را محور قرار دادیم. و برنامه را بر همان محوریت تنظیم کردیم. اینک وقت آن رسیده که برنامه سال ۱۴۰۰ را با محوریت نیروی انسانی تدوین کنیم که این محوریت ما را به تقویت و استحکام بنیانهای خانواده سوق می‌دهد و نهاد آموزش و پرورش جایگاه والای خود را در چنین برنامه‌ای پیدا خواهد کرد.

خداوند شما را در خدمت به نسل نو، که به عنوان امانتهای الهی در دست شما هستند، موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

است که کنار هم قرار گرفته. تحکیم رابطه‌های بین فرزندان و اولیاء، بچه‌ها و مربیان، تقویت ارتباط خانه و مدرسه، بررسی علل و عوامل ناسازگاری و ناهنجاری دانش‌آموزان و تلاش برای رفع این مشکلات. همان‌طور که جناب آقای مظفر اشاره کردند، مراکز آموزش خانواده را برای رسیدگی به ناهنجاریها و این مسائل گذاشته‌اند. خوب کار می‌کنند و کارهای کارشناسی خوبی در حال انجام گرفتن است، اما کافی نیست. من در چند مدرسه عضو انجمن اولیاء و مربیان در طی چند سال بوده‌ام. این نکته را هم عرض کنم که نباید وقت اعضای انجمن بیشتر صرف کارهای تشریفاتی و جمع‌آوری امکانات مالی و یا کارهایی از این قبیل شود. باید اعضای انجمن با توجه به روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی مراکز آموزشی، همه تلاشهای خود را در جهت رشد و بالندگی دانش‌آموزان بکار گیرند و از مسائل و موارد زاید و غیرضروری پرهیز نمایند. با توجه به شرح وظایف و اهداف انجمن اولیاء و مربیان، چند نکته را متذکر می‌شوم:

۱- تشکیل جلسات سخنرانی توسط کارشناسان امور تعلیم و تربیت برای خانواده‌ها که خیلی مؤثر است.

۲- تشویق خانواده‌ها به کتابخوانی، بخصوص در امر تعلیم و تربیت. اگر بنا شود خانه و مدرسه به هم نزدیک شوند، این فرهنگ کتابخوانی را در فرهنگ خانواده‌ها وارد سازیم، بخصوص مطالعه و کتابخوانی نقش مؤثری در تشویق فرزندان به مطالعه دارد.

۳- همکاری با صدا و سیما به خاطر گستردگی حضور و تأثیرش در جامعه، انجمن را در رسیدن به اهداف یاری می‌نماید. انجمن